

در کمیسیون طرح‌های حوزه معاونت فنی و عمرانی تصویب شد  
طراحی پل شرق به شمال در تقاطع ۲ بزرگراه

طرح ساخت پل جهتی شرق به شمال در تقاطع بزرگراه‌های نیایش و چمران در کمیسیون طرح‌های حوزه معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران، به تصویب رسید.  
به گزارش خبرنگار همشهری محله، مدیر گروه پل و بزرگراه‌های

سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران گفت: «اجرای این طرح می‌تواند علاوه بر روان کردن بیشتر ترافیک در بزرگراه نیایش و خیابان سننول، مجموعه پل‌های ولایت را به تقاطعی با کارکردهای ترافیکی کامل تبدیل کند»

است تعمیری هم از این امامزاده بکنید. خلاصه آدم‌های زیادی را آنجا دیدم. تعجب کردم که اینها شب چه می‌کنند؟ کجا می‌خوابند؟ اینجا دکان نانوايي دارد، بقالی دارد. در این جای تنگ همه چیز هست، حتی خرازی‌فروشی.»

### هدیه آبادی «پری‌زاد» به شاهزاده قجر

بعد از انقلاب، جاده آسفالتی از کن و سولقان به امامزاده داود(ع) کشیدند که جاده مالرو ناصرالدین شاه را از سکه انداخت، چون بیشتر مردم ترجیح می‌دهند با ماشین بدون دردسر به زیارت بروند. ولی جوانانی هستند که به قصد کوهنوردی و زیارت، پیاده از کوهپایه بالا می‌روند. پری‌زاد یا فرهاد یا فرحزاد سال‌های بعد، ناصرالدین شاه قریه پری‌زاد را به یکی از شاهزادگان قجر بخشید. شاهزاده خانم، عمارتی اربابی برای بیلاق ایل و طایفه ساخت و خودش هم آنجا مستقر شد. زمین‌ها را آباد کرد و آب رودخانه و قنواتی راه انداخت و زمین‌ها را زیر کشت برد. بعد از آن زائران بسیاری که از آنجا می‌گذشتند بین توتستان‌ها و باغ‌ها اتراق می‌کردند و بساط چای و قلیان‌شان به راه بود، به دنبال آن هم قاطری از اهالی کرایه می‌کردند و به زیارت می‌رفتند. وقتی شاهزاده خانم به پری‌زاد آمد و صاحب اصلی آنجا شد، دو طایفه «حاج سلیمان» و «حاج مهدی قلی» هم در ده جاگیر شدند. مردم پری‌زاد از دره به دامنه کوهپایه آمدند و پری‌زاد خالی از سکنه فراموش شد. اسم قریه جدید هم در بسیاری از کتاب‌های تاریخی، «فره‌زاد» نوشته شد که حالا به «فرحزاد» تغییر کرده است.

### محله‌بندی فرحزاد به فقیر و غنی

شمال ده را ارباب‌ها و خان‌ها برداشتند و «محله بالا» شد، جنوب ده هم ماند برای رعیت‌ها که اسمش را «محله پایین» گذاشتند. شاهزاده خانم دستور داد بقعه

امامزاده داود(ع) را ترمیم کردند و برای مردم کسب و کاری راه انداخت. چایخانه و قهوه‌خانه‌هایی در راه زائران ساخته شد تا مردم میوه باغ‌هایشان را به زائران بفروشند و قاطرهایشان را کرایه دهند. کشاورزی و دامداری هم زیاد شد. خان‌ها و ارباب‌ها، گوسفندها و زمین‌ها را گسترش دادند و ده هر روز بزرگ‌تر شد. برای آبیاری از رودخانه فرحزاد آب می‌گرفتند و در باغ‌ها روان می‌کردند. البته باغ‌های عمارت همیشه پر آب بود، ولی رعیت‌ها نوبتی آب می‌گرفتند. آب آشامیدنی هم از قنات تأمین می‌شد و هم از چشمه مروارید.

### فروش چهاردانگ ده به خان اتحادیه

بعدها شاهزاده خانم چهار دانگ ده را به حاج «رحیم اتحادیه» از خان‌های قاجار فروخت. دو دانگ را هم به رعیت‌ها بخشید. اکنون به آن زمین هادودانگی و «چهاردانگی» می‌گویند. غرب فرحزاد، آن طرف رودخانه، زمین‌های دودانگی است و شرق رودخانه زمین‌های چهاردانگی قرار دارد. به این ترتیب هر کسی از راه می‌رسید، هر طور که دوست داشت گوشه‌ای برای خودش خانه‌ای می‌ساخت؛ رعیت‌ها خانه‌های گلی و کوتاه، گاهی تنگ و بدون باغ و درخت و خوشنشین‌ها هم به حاشیه ده می‌رفتند که چند فرسخ دورتر از خانه‌های مسکونی بود. آنجا باغ‌هایی بود با درخت‌های شاتوت که تابستان‌ها شاتوت‌های قرمز و آب دارشان را دست چین می‌کردند به زائران می‌فروختند.

### در قسمت بعد...

ماجرای امامزاده داود(ع)، سیل شب ۲۲ مرداد ۱۳۳۳، ورود برق به محله، شرح مفصلی از زورخانه و اماکن قدیمی، افراد سرشناس و محله‌های مختلف فرحزاد را خواهید خواند.

### مهم‌ترین تحولات ده فرحزاد

- ۴۶۶ ← شمسی امامزاده داود(ع) به فرحزاد آمد و به شهادت رسید.
- ۱۲۵۴ ← سنگ قبر امامزاده داود(ع) در زمان ناصرالدین شاه نصب شد و جاده تاریخی فرحزاد به بهره‌برداری رسید.
- ۱۳۰۵ ← زورخانه فرحزاد تأسیس شد.
- ۱۳۱۰ ← حاج رحیم اتحادیه، چهار دانگ از زمین‌های فرحزاد را از شاهزاده خانم قجری خرید و دو دانگ زمین‌ها هم به اهالی فرحزاد رسید.
- ۱۳۲۵ ← نخستین جگرکی فرحزاد، معروف به شاه غلام کار خود را آغاز کرد.

### نخستین جگرکی فرحزاد

۷۶ سال پیش، جگرکی شاه غلام نخستین قهوه‌خانه‌ای بود که در محله بالا کنار چای و قلیان، جگر برای مردم سیخ می‌زد. بعد از آن به قهوه‌خانه‌های دیگر هم سرایت کرد. بوی چربی سوخته روی منقل، مردم خسته را به قهوه‌خانه می‌کشاند و جمله معروف «آقا چار تا سیخ هم برای ما بزن» تکرار شد. اکنون با اینکه همه چیز عوض شده و اسم جگرکی «رستوران» شده و باغ گلشن جای خودش را به پارکینگ و مغازه‌های رنگ و وارنگ داده، ولی سیخ‌های جگرجای خودشان را دارند. بیشتر کبابی‌ها و رستوران‌های دره فرحزاد از سیخ‌های جگر بی‌نصیب نیستند و شغل جگرکی همه جای فرحزاد به چشم می‌خورد.

### کوچه‌های باریک و پهن

ارباب‌ها عمارت‌های بزرگ می‌ساختند، ولی نه در هیبت عمارت شاهزاده قجر؛ مصالح همان مصالح خانه رعیت‌ها بود، از گل و خشت و چوب و سنگ ولی عمارتی بزرگ‌تر و باشکوه‌تر ساخته می‌شد. هر کدام از عمارت‌ها چند هشتی و اندرونی و بیرونی داشت و اتاق‌های تودر تو و مطبخ و اصطبل و جایی برای خدمتکارها در نظر گرفته می‌شد. به‌طور کلی عمارت‌ها وسط باغ‌های بزرگی ساخته می‌شد؛ دورتا دور آن توتستان و باغ، چیزی که آن زمان در فرحزاد بسیار دیده می‌شد، اما امروز به تک درخت‌های خشکیده و خمیده تبدیل شده است. در بین خانه‌های اربابی و رعیتی، کوچه‌ها یکی پهن و بلند و یکی باریک و کوتاه شکل می‌گرفت؛ این روزها که در کوچه‌پس‌کوچه‌های فرحزاد راه بروید، این تفاوت را خوب تشخیص می‌دهید که برخی از کوچه‌ها آنقدر باریک است که حس می‌کنید شانه‌هایتان به دیوار دو طرف می‌خورد. باریکه‌ای آب از وسط کوچه می‌گذرد. همه چیز تودر تو و درهم است تا حدی که بین بن‌بست‌ها و دالان‌ها گم می‌شوید.

### چند خیابان قدیمی

«مرغداری»، «ارغوان»، «گلبرگ» و «ایشار» از خیابان‌هایی است که در حاشیه جنوبی بزرگراه یادگار امام (ره) قرار دارند. در باغ‌های این محدوده کمتر ساخت‌وساز شده و فقط چند پلاک مسکونی بین باغ‌ها به چشم می‌خورد. کاربری این محله‌ها بیشتر تجاری است. کارخانه میخ‌سازی، مرغداری فرحزاد، مدرسه‌ها، گلزارها، کارگاه‌ها، انبارها و مراکز فروش مصالح ساختمانی در این محدوده قرار دارند.

